

2217 - چگونه انجام نماز استخاره و شرح دعای آن

سوال

نماز استخاره چگونه ادا می شود؟ دعایی که در آن خوانده می شود چیست؟

پاسخ مفصل

روش نماز استخاره را جابر بن عبدالله سلمی . رضی الله عنه . روایت کرده است . ایشان می گوید: رسول الله . صلی الله علیه وسلم . استخاره در همه امور را به یارانش یاد می داد چنان که سوره ای از قرآن را به آنان یاد می داد . ایشان می فرمود: «هرگاه کسی از شما تصمیم به انجام کاری گرفت دو رکعت غیر فرض بگذارد، سپس بگوید: **«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَحِيرُكَ بِعِلْمِكَ وَأَسْتَقْدِرُكَ بِقُدْرَتِكَ وَأَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ ، فَإِنَّكَ تَقْدِرُ وَلَا أَقْدِرُ وَتَعْلَمُ وَلَا أَعْلَمُ وَأَنْتَ عَلَامُ الْغُيُوبِ اللَّهُمَّ فَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ هَذَا الْأَمْرَ . أَنْ گاه کار خود را بگوید . خَيْرًا لِي فِي عَاجِلِ أَمْرِي وَآجِلِهِ قَالَ أَوْ فِي دِينِي وَمَعَانِي وَعَاقِبَةِ أَمْرِي فَأَقْدِرْهُ لِي وَيَسِّرْهُ لِي ثُمَّ بَارِكْ لِي فِيهِ اللَّهُمَّ وَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّهُ شَرٌّ لِي فِي دِينِي وَمَعَانِي وَعَاقِبَةِ أَمْرِي أَوْ قَالَ فِي عَاجِلِ أَمْرِي وَآجِلِهِ فَاصْرِفْنِي عَنْهُ [واصرّفه عني] وَأَقْدِرْ لِي الْخَيْرَ حَيْثُ كَانَ ثُمَّ رَضِّنِي بِهِ»** به روایت بخاری (۶۸۴۱) . این حدیث روایت های دیگری نزد ترمذی و نسائی و ابوداود و ابن ماجه و احمد دارد . (معنای دعا: خداوندا من از علم تو خواهان خیرم و از قدرت تو خواهان قدرتم و از فضل تو خواهانم چرا که تو می توانی و من نمی توانم و می دانی و من نمی دانم و تو دانای غیب های . خداوندا اگر می دانی که این امر . این جا کارش را ذکر می کند . برای من در کوتاه مدت و بلندمدت . یا در دینم و زندگی ام . و فرجام کارم به خیر من است آن را برای مُقَدَّر ساز و آسان گردان سپس برایم در آن برکت قرار ده . خداوندا و اگر می دانی که این کار برایم در دینم و زندگی ام و فرجام کارم . یا در کوتاه مدت و بلند مدت من . برایم بد است آن را از من دور گردان [و مرا از آن دور گردان] و خیر را برایم هر جا که هست مقدر گردان سپس مرا به آن خشنود بگردان).

ابن حجر . رحمه الله . در شرح این حدیث می گوید:

استخاره اسم است و «استخار الله» یعنی از او طب آن چه خیر است کرد و منظور درخواست خیر از بین دو امر است اگر به یکی از آن دو نیازمند باشد .

این سخنش که «پیامبر . صلی الله علیه وسلم . به ما استخاره را در همه کارها یاد می داد» ابن ابوجمره درباره اش می گوید: این سخن عامی است که از آن اراده تخصیص شده است، زیرا درباره امر واجب و مستحب استخاره نمی شود و همین طور درباره ترک حرام و مکروه استخاره نمی شود، بنابراین، مسئله به مباح و مستحب محدود

می شود یعنی اگر دو امر با یکدیگر تعارض داشته باشد [و نداند] که با کدام یک آغاز کند یا تنها یکی را انجام دهد. می گویم: ... این عموم، همه امور را. بزرگ و کوچک. در بر می گیرد، زیرا چه بسا بر یک امر کوچک، نتایج بزرگی مُترتب شود.

این سخن ایشان که «هرگاه تصمیم گرفت» در حدیث ابن مسعود به این شکل آمده است: «هرگاه کسی از شما امری را خواست، بگوید...».

و این سخن ایشان که «پس دو رکعت غیر فریضه به جای آورد» برای خارج ساختن نماز صبح است... و نووی در «الأذکار» می گوید: «اگر دعای استخاره را مثلاً بعد از نماز راتبه ظهر یا دیگر نمازهای نفل راتبه یا مطلق بخواند... آن طور که به نظر می آید گفته می شود: اگر عین همان نماز [مثلاً سنت بعدیه ظهر] و نماز استخاره را با هم نیت کند درست است، برخلاف آن که اگر نیت نکند.

ابن ابوجمره می گوید: حکمت در مقدم داشتن نماز بر دعا این است که هدف از استخاره یکجا به دست آوردن خیر دنیا و آخرت است، بنابراین نیازمند آن است که دروازه پادشاه را بکوبد و هیچ چیز کاری تر و مؤثرتر از نماز نیست چرا که شامل بزرگداشت الله و ثنای او و احساس نیاز به او در آینده و حال نیست.

و این سخن ایشان که «سپس بگوید» ظاهر امر این است که این دعا پس از پایان نماز گفته می شود و احتمال هست که این تربیت به نسبت اذکار و دعای نماز باشد، بنابراین آن را پیش از پایان [اذکار نماز] و پیش از سلام می گوید. (یعنی بعد از تشهد و قبل از سلام نماز).

این سخن ایشان که «و از فضل تو خواهانم» اشاره به این است که عطای پروردگار فضل و لطفی است از او و کسی در نعمت های الله صاحب حق نیست چنان که مذهب اهل سنت بر همین است.

و این سخن ایشان که «زیرا تو می توانی و من نمی توانم و می دانی و من نمی دانم» اشاره به علم و قدرت الله به تنهایی است، و بنده از آن بهره ای ندارد جز آن مقداری که الله برایش مقدر کرده است.

این که می فرماید: «خداوندا اگر می دانی که این امر...» و در روایتی ... «سپس آن [کار] را نام می برد» ظاهرش سیاق جمله بر این است که کارش را نام می برد و احتمال دارد که کافی باشد هنگام دعا کارش را در دل به یاد آورد.

این سخنشان که: «پس آن را از من دور کن و مرا از آن دور کن» تا آن که پس از منصرف شدن از آن کار در دلش باقی نماند.

و این فرموده‌شان که: «و مرا خشنود کن» یعنی به آن راضی کن که از خواستنش و وقوعش پشیمان نشوم زیرا من عاقبت آن را نمی‌دانم اگرچه هنگام خواستنش به آن راضی بودم...

راز این جمله این است که در دلش باقی نماند و در نتیجه خاطرش آسوده نگردد. خشنودی یعنی آرامش درونی نسبت به قضای الهی.

منقول به شکل مختصر از شرح حافظ ابن حجر. رحمه الله. در شرح این حدیث در «کتاب الدعوات» و «کتاب التوحید» صحیح بخاری.